



علی مختاری

سیره تبلیغی رسول خدا ﷺ

(گفتار حضرت)

مقدمه

هارون رضی الله عنه را یاور و همکارش قرار دهد؛ چرا که هارون رضی الله عنه از او فصیح تر است؛ «وَ أَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْتُهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي»^۱.

آداب سخن

سخن گفتن آدابی دارد، و مادر این مقاله نکاتی را مرور می‌کنیم که در کیفیت سخن گفتن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ما رسیده است؛ باشد تا پیرو سیره تبلیغی حضرتش باشیم و آداب سخن را رعایت کنیم که بهترین راز و رمز موفقیت در سیره آن بزرگوار نهفته

زبان شمشیری قاطع است که می‌تواند همچو عصای موسی رضی الله عنه فرآورده‌های باطل و جادویی را فرو بلعد و سیمای حقیقت را نمایان کند. بزرگ‌ترین ابزار هدایت پیامبران، زبان است تا آنجا که حضرت موسی رضی الله عنه درخواست می‌کند: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَ اخْلُصْ لِي لِسَانِي بِفَقْهِي قَوْلِي»^۱؛ «بارالها! به من شرح صدر عنایت کن و امر [هدایت و رسالت] مرا آسان ساز و عقده و مانع را از زبانت بردار تا سخن مرا بفهمند.»

وی از خدا می‌خواهد که برادرش

۱. طه / ۲۵-۲۷.

۲. قصص / ۳۴.

الف. صوت نیکو

صوت و لحن زیبا، از لوازم سخنوری است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «مَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نَبِيًّا إِلَّا حَسَنَ الصَّوْتِ؛^۵ خداوند عزیز و جلیل، همه پیامبران را خوش صدا برگزید.» صدای حضرت رسول صلی الله علیه و آله نیز گوشنواز و دل نشین بود. درباره تلاوت قرآنش آمده است: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله كَانَ أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ؛^۶ صوت تلاوت قرآن پیامبر صلی الله علیه و آله از همه مردم بهتر بود.»

روشن است که لحن گیرا و گوشنواز نقش مهمی در جذب مخاطبان دارد و حضرت سفارش کرده است: «رُؤِنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ؛^۷ قرآن را با آوازتان زینت دهید!»

است. علی علیه السلام - که نفس پیامبر صلی الله علیه و آله است - می فرماید: «إِنَّا لَأَمْرَاءُ الْكَلَامِ؛^۱ به راستی ما ایم فرمانرواهای قلمرو سخن.»

حضرت استاد آیه الله جوادی آملی در سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد قرآن، شاخصه های برتری آن حضرت بر سایر پیامبران را بیان می کند^۲ و از جمله می نویسد:

«پنجم: خصیصه دیگری که خدای سبحان برای معرفی پیامبرش ذکر می کند، این است که می فرماید: او حاملی است که کلام و سکوتش مظهر کلام و سکوت خداست. هر چه می گوید، وحی است و هر آنچه با وحی در یافت نموده، به مردم ابلاغ می کند؛ نه از وحی می کاهد و نه غیر از وحی چیزی می گوید: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»؛^۳ [یعنی] آنچه را که به عنوان سنت و سیرت و گفتار دینی از او می شنوید، وحی است.»^۴

نکات مؤثر در کیفیت سخن با استفاده از سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله عبارت است از:

۱. نهج البلاغه، خ ۲۳۳.
۲. سیره رسول اکرم در قرآن، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۸، بخش اول.
۳. نجم / ۳-۴.
۴. تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۸، ص ۳۲.
۵. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۶۶، ح ۱۲.
۶. تاریخ و سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، ص ۳۳۰، به نقل از: سنن النبی صلی الله علیه و آله، علامه طباطبایی، ص ۳۱۱.
۷. التمهید، ج ۵، ص ۶۲۰.

ب. فصاحت

در عصری که فصاحت و بلاغت در اوج شکوفایی اش بود و محور مسابقات رسمی عرب بر اشعار فصیح و بلیغ و معلقات سبعه و میدان فصاحت و بلاغت قرار داشت، خداوند پیامبری برگزید که چنین فرمود: «أَنَا أَفْصَحُ الْعَرَبِ مَيْدَأَى مِنْ قُرَيْشٍ وَاسْتَرْضَعْتُ فِي سَعْدِ بْنِ بَكْرٍ فَأَنَّى يَا تَيْبَنِي اللَّحْنُ؟^۱ من از همه عرب [گویاتر و] فصیح‌ترم. غیر آنکه از قریشم و در طایفه بنی سعد بن بکر شیر نوشیده [و رشد کرده‌ام]، پس از کجا لحن [زیبای عربی خالص] به من می‌رسد!»

فصاحت و حسن صوت و تلاوت زیبای برخی ائمه علیهم‌السلام؛ مثل امام سجاد و حضرت کاظم علیه‌السلام نیز در تاریخ منعکس شده است.^۲

ج. تبسم ملیح و خوش‌رویی

از زمینه‌های موفقیت، آمیختن سخن با لبخند است؛ هم جاذبه می‌آفریند و هم سخن را دلنشین‌تر می‌سازد. سخن گفتن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز با تبسمی ملیح و جذاب آمیخته بود: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم إِذَا حَدَّثَ بِحَدِيثٍ تَبَسَّمَ فِي

حَدِيثِهِ؛^۳ هر گاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سخن می‌گفت، لبخندی [مختصر] بر لبانش نقش می‌بست. «گاهی هم با دیگران، با گفتار خویش، مزاح و شوخی می‌کرد؛ با این هدف که آنان را خرسند سازد و غریبه‌ها خودی گردند.^۴»

درباره مزاح و تبسم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در جلد ۱۶ بحار الانوار یک فصل آمده است. همچنین در کتاب «الاخلاق فی الاحادیث المشتركة»، جلد ۱، صص ۱۴۱ - ۱۴۵، درباره بشاش بودن و خندان بودن حضرت، احادیثی از شیعه و سنی نقل شده است که برای اختصار از نقل آن خود داری می‌کنیم.

د. خلاصه‌گویی

پر حرفی، شنونده را آزار می‌دهد و خسته می‌کند. سخنرانیهای طولانی موجب گریز افراد از جلسات مذهبی، نماز جمعه و مجالس و عظمی می‌گردد. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که همه سخنانش

۱. همان؛ ر.ک: کنز العمال، ج ۱۱، ص ۴۰۴، ح ۳۱۸۸۴

۲. ر.ک: التمهید، ج ۵، ص ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۷۹، ۶۲۹، ۱۸۰، ۲۰۶ و ۲۰۷.

۳. سنن النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ص ۴۸.

۴. ر.ک: اخلاق نبوی، جواد محدثی، ص ۳۳.

خردمند در سخنرانی، میزان کشش و تحمل افراد و معلومات مخاطب را بررسی و محاسبه می کند و طبق همان، سخن می گوید

آموزنده و نور و حکمت بود، این نکته را رعایت می کرد:

«كَانَ أَحْفَ النَّاسِ صَلَاةً فِي تَمَامٍ وَكَانَ أَفْضَرَ النَّاسِ حُطْبَةً وَأَقْلَهُ هَدْرًا»^۱ [رسول خدا ﷺ در نماز جماعت و جمعه با آنکه نمازش کامل و عالی بود] نمازش از همه سبک تر و خطبه هایش کوتاه ترین خطبه ها بود و سخن پراکنی او کمترین بود.

و در وصف آن حضرت گفته اند:
«قَدْ تَرَكَ نَفْسَهُ مِنْ ثَلَاثِ الْمَرَاءِ وَالْإِكْتَارِ وَمَا لَمْ يَغْنِيهِ»^۲ او نفس خود را از سه خصلت بد رها کرده بود [که عبارت است از]:
بگو مگوهای بی فایده، پرگویی و سخنان بیهوده.»

ه کنترل زبان از بیهوده گویها و

آزارها

«كَانَ يَحْزَنُ لِسَانَهُ إِلَّا عَمَّا يَغْنِيهِ وَيُؤَلِّفُهُمْ

وَلَا يَنْفَرُهُمْ»^۳ [پیامبر خدا ﷺ] زبانش را حفظ می کرد، مگر در تبیین اهداف و مقاصد مربوطه اش. و [به هنگام سخن گفتن هم] وحدت بخش و الفت آفرین بود، نه عامل عداوت و نفرت بین مردم.»

و. همسطح حاضران

خردمند در سخنرانی، میزان کشش و تحمل افراد و معلومات مخاطب را بررسی و محاسبه می کند و طبق همان، سخن می گوید. مطالب عالی برای افراد معمولی یا سطح پایین مثل کباب برگ برای نوزادان، غیر قابل هضم و زیانبار است. و بر عکس، مطالب ساده یا سخیف برای مخاطبان سطح بالا، سبب فراری دادن آنان می گردد.

پیامبر اکرم ﷺ انسان کامل و دارای علم لدنی بود؛ ولی هنگام تبلیغ، ظرفیت مخاطب را می سنجید. امام صادق علیه السلام فرموده است:

۱. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۷؛ مکارم

الاخلاق، ص ۲۳؛ سنن النبی صلی الله علیه و آله، ص ۴۵.

۲. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۵۳.

۳. همان، ص ۱۵۱؛ سنن النبی صلی الله علیه و آله، ص ۱۵.

بی سوادهای بیابانی، «شهداء، صالحین و صدیقین» بسازد: «كَانَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ إِذَا حَدَّثَ الْحَدِيثَ أَوْ سَأَلَ عَنِ الْأَمْرِ كَرَّرَهُ ثَلَاثًا لِيَفْهَمَ عَنْهُ»^۲ [شيوه] پیامبر ﷺ چنان بود که اگر حدیثی مطرح می‌کرد یا از موضوعی می‌پرسید، آن را سه بار تکرار می‌فرمود تا کاملاً مفهوم و بی‌ابهام باشد.»

سخن آن حضرت همواره دارای پیام روشنی بود که هر شنونده‌ای آن را به وضوح در می‌یافت و درک می‌کرد.^۳

ح. مراعات حال مردم

پیامبر خدا ﷺ بسیار رئوف و رحیم و دلسوز بود و دشواریهای مردم، بر آن حضرت گران تمام می‌شد: «عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ»^۴ «رنجهای شما بر او سخت است، اصرار بر هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان رئوف و مهربان است.»

«مَا كَلَّمَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ الْعِبَادَ بِكُنْهِ عَقْلِهِ قَطُّ قَالَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ إِنَّا مَعَشَرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ»^۱ رسول خدا ﷺ هرگز با مردم با عمق عقل و درک خود سخن نگفت و می‌فرمود: «ما پیامبران، مأموریم با مردم به اندازه عقل و فهم آنان حرف بزنیم [نه به قدر فهم خودمان].»

ز. تلاش در تفهیم مقصد

برخی از اهل منبر عوام زده‌اند و چون عوام سخنان مطمئن و لحن خطابی و حماسی و محکم را می‌پسندند، و تلاش می‌کنند که با جملات جدید یا به سبک کتابی و خطابه‌ای جملات را ردیف کنند و محتوا را در پای بست ظواهر زیبا، ذبح کنند. در نتیجه، عوام می‌گویند: آقا، خوب سخنرانی می‌کند. ولی اگر پرسند: چه گفت؟ از عهده جواب بر نمی‌آیند و هر کس جمله‌ای را گرفته و در ذهن خود از ظن خود یار گوینده گشته است.

رسول خدا ﷺ کوشش داشت معارف عالی و حیاتی را حتی به عامی‌ترین افراد بفهماند و از همان

۱. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۸۰، ح ۱۲۲؛ این حدیث با تعبیر «أَنَا مَعَشَرَ الْأَنْبِيَاءِ...» نیز نقل شده است، ر.ک: سنن النبی ﷺ، ص ۵۷.

۲. مکارم الاخلاق، ص ۲۰.

۳. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۷.

۴. توبه / ۱۲۸.

حَدِيثُ أَوْلِيهِمْ؛^۲ هر که سخنی داشت، دیگران خوب گوش می دادند تا پایان یابد. سخنشان در محضرش، همان سخن گفتنِ فردِ اول بود.»

«وَلَا يَقْطَعُ عَلَى أَحَدٍ كَلَامَهُ حَتَّى يَجُوزَ فَيَقْطَعَهُ بِنَهْيِ أَوْ قِيَامٍ؛^۳ و [آن حضرت] کلام کسی را قطع نمی کرد تا از موضوع بگذرد، آن گاه آن موضوع را با نهی یا قیام قطع می کرد.» و در نسخه مکارم الاخلاق آمده است: «... تا بگذرد و به نهایت برسد یا با کلامی دیگر آن را پایان می داد.» و در برخی نسخ «حتی بجور» از «جور» آمده است؛ یعنی سخن کسی را قطع نمی کرد تا آن که به ناحق برود و به باطل گراید؛ مثلاً غیبت یا فحاشی کند. آن گاه بر می خاست یا نهی می کرد.^۴

ادامه دارد....

حتی گاهی در نماز که صدای گریه کودکان به گوشش می رسید، نماز را سریع تر می خواند و به پایان می رساند تا مادر آن کودک، به فرزندش رسیدگی کند. با آنکه معمولاً بین وقت نماز مغرب و عشاء فاصله می انداخت و هر کسدام را در وقت فضیلت خود می خواند، ولی گاهی که در سفرها، در پیمودن راه شتاب داشت یا در شبهای بارانی، یا آن گاه که کاری فوری داشت و... بین دو نماز جمع می کرد و می فرمود: «مَنْ لَمْ يَزَحْمْ لَمْ يَزَحْمْ؛^۱ هر که رحم نکند، به او رحم نمی شود.»

ط. قطع نکردن سخن حاضران

هنر گوش دادن به سخن مخاطب، یکی از راههای جذب است که صبوری و تحمل می طلبد؛ زیرا گاهی صرف شنیدن سخن معترضان، عقده آنان را برطرف می کند. حضرت رسول ﷺ اصحاب را چنان تربیت می کرد که حرف گوینده را تا پایان گوش دهند و کسی کلام دیگری را قطع نکند.

از سخنان آن حضرت است: «مَنْ تَكَلَّمَ أَنْصَتُوا لَهُ حَتَّى يَفْرُغَ حَدِيثِهِمْ عِنْدَهُ»

۱. سنن النبی ﷺ، ص ۲۴۸، به نقل از: اخلاق نبوی، ص ۲۱.

۲. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۵۳.

۳. همان.

۴. همان، ص ۱۷۱؛ سنن النبی ﷺ، ص ۱۸.